

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام / سید محمد حسینی دره صوفی
- واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت / سید علی شاه احمدی
- ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم / غلام رضا حسینی
- عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین / سید رضی قادری
- مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا / محمدرسول احمدی
- وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن و روایات / سید مهدی نقوی
- ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت / سید اسدالله حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسیت: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی
العالمیه. قم.

فهرست مطالب

۷	واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام، در کاهش جرم
۲۵	واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت
۵۱	ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم
۷۵	عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین
۹۹	مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا
۱۱۹	وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن کریم و روایات اسلامی
۱۴۱	ارتباط با امام زمان (عج الله و تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت
۱۶۳	عوامل ارتکاب جرم کلاهبرداری و راههای پیشگیری از آن در جرم شناسی

سال سوم، پائیز ۱۴۰۲، شماره ۱۰

عوامل ارتکاب جرم کلاهبرداری و راههای پیشگیری از آن در جرم شناسی

محمد عطایی^۱

چکیده: جرم یقه سفید در اشارات حقوقی و قانونی دلالت بر سوءاستفاده افراد بلندپایه از موقعیت و مقام خود است که بیشتر با جرایم مالی همراه است. این نظریه نخستین بار در مبحث جرم‌شناسی توسط جرم‌شناس آمریکایی ادوین ساترلند در دهه ۵۰ میلادی مطرح شد. بر اساس تفکرات وی جرم‌های یقه سفید بیانگر فعالیتهای غیرقانونی است که از اشخاص سرشناس و درخور احترام صوری و طبقه بالاتر جامعه سر می‌زند. کلاهبرداران از زمره مجرمین یقه سفید هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می‌شوند. در این راستا قانونگذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ به جرم‌انگاری آن پرداخته است و در این مقاله به بررسی ارکان این بزه و دیدگاه مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و سپس با توجه به نظریه‌های جرم‌شناسی از قبیل نظریه فشار مرتون به بررسی علل و عوامل ارتکاب بزه کلاهبرداری و همچنین ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از این جرم مانند پیشگیری وضعی در جامعه ایران پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری، وسایل متقلبانه، پیشگیری از جرم، جرم یقه سفید، جرم اقتصادی.

۱. ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم

۱. مقدمه

کلاهبرداری از جمله‌ی مهمترین جرایم اقتصادی است که لطمات زیادی به اقتصاد جامعه وارد می‌نماید؛ چرا که علاوه بر آنکه سبب ورود ضرر و خسارت به بزه دیدگان می‌شود، در سطحی کلان با شیوع این جرم بی‌اعتمادی در جامعه افزایش می‌یابد و این در حالی است بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی اعتماد متقابل افراد به یکدیگر است. لذا با گسترش بی‌اعتمادی، چرخه‌ی اقتصادی جامعه نیز مختل می‌شود. از آنجا که کلاهبرداری از جمله جرایم استثنائی به شمار می‌رود. معمولاً شخص کلاهبردار به گونه‌ای عمل می‌کند که مالک یا متصرف مال، فریب خورده و خود از روی میل و چه بسا با التماس به امید کسب منافع سرشار مالش را در اختیار مجرم قرار می‌دهد. تحقق این امر یعنی اغفال قربانی و جلب نظر وی برای اینکه مال خود را به دست خودش در اختیار کلاهبردار قرار دهد، احتیاج به انجام مانورهای متقلبانه، صحنه‌سازی و پشت هم اندازی توسط مجرم دارد. از این رو کلاهبرداران برخلاف بسیاری از مجرمین دیگر معمولاً از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بوده و چه بسا مناسب اجتماعی یا اقتصادی مهمی نیز در جامعه داشته باشند. در جامعه‌ی حاضر ما مصادیق و پرونده‌های کلاهبرداری گسترش بسیار زیادی پیدا کرده‌اند. این گسترش در قالب مصادیق مختلف کلاهبرداری نیز مشاهده می‌شود. به تعبیر دیگر امروزه با پیشرفت تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، بسیاری از معاملات و مبادلات مالی در فضای مجازی یا اینترنت به وقوع می‌پیوندند و به تبع این امکان، بزهکاران نیز وارد این عرصه شده‌اند و جرائمی از جمله کلاهبرداری رایان‌های به منصفی ظهور رسیده‌اند. به همین خاطر، شناسایی علل و عوامل ارتکاب جرم کلاهبرداری ضروری است در این راستا می‌توان از نظریه‌های جرم‌شناسی بهره برد و همچنین در زمینه پیشگیری از این جرم پیشگیری‌های وضعی و کیفری مورد نظر خواهد بود.

تاکنون پژوهش‌های در قالب پایان‌نامه و مقاله در خصوص بزه کلاهبرداری در ایران صورت گرفته است. ولی از دیدگاه نظریه‌های جرم‌شناسی در خصوص علل و عوامل ارتکاب این بزه و راه‌های پیشگیری از آن مورد پژوهش و تحقیق قرار نگرفته

است. حال سوالاتی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که رویکرد مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسبت به بزه کلاهبرداری چگونه است؟ آیا راهکارهایی برای پیشگیری از بزه دیده شدن قربانیان کلاهبرداری در جامعه ایران وجود دارد؟ علل و عوامل ارتکاب بزه کلاهبرداری از دیدگاه جرم شناسان کدامند؟

مسئله پاسخ به سوالات فوق و نیز سوالات دیگری که در خصوص بزه کلاهبرداری مطرح می‌شود نیازمند تحلیل و بررسی دقیق مواد قانونی مرتبط با این موضوع در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و سپس بررسی علل و عوامل ارتکاب این بزه و راه‌های پیشگیری از آن می‌باشد. به همین جهت این پژوهش پس از بررسی ارکان بزه کلاهبرداری به بررسی علل و عوامل این جرم با توجه به نظریه‌های جرم‌شناسی پرداخته است.

۲. مفاهیم

کلاهبرداری در لغت نامه دهخدا به معانی گوناگون بیان گردیده. شادی و حقه بازی. بفریب مال و پول دیگران را گرفتن، استعمال نام یا عنوان مجعول به قصد اینکه مؤسسات مجعول و اعتبارات موهوم را به طرف مقبولانند و او را به امور موهوم امیدوار یا از امور موهوم بترسانند و بدین طریق وجه یا مالی از او بگیرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸)

کلاهبرداری واژه‌ای فارسی از ترکیب دو جز «کلاه» و «برداری» تشکیل شده است و در زبان فارسی کلاه به چیزی اطلاق می‌شود که از پوست، پارچه و امثال آن می‌دوزند و بر سر می‌گذارند پسوند «برداری» مشتق از مصدر برداشتن به مفهوم بلند کردن است و در مجموع این واژه‌ها به معنای برداشتن کلاه از سر است اما از حیث معنای مجازی به مفهوم ربودن عقل از شخص است و بدین اعتبار کلاه کسی را برداشتن به معنای فردی را فریب دادن و مال وی را تصرف کردن یا به قصد عدم پرداخت از او قرض گرفتن است کلاه بر سر کسی گذاشتن نیز به مفهوم گول زدن فریفتن مغرور کردن و بدین طریق مال غیر را تصاحب نمودن است (سالاری، ۱۳۸۶،

کلاهبرداری در اسلام از زمره جرایم تعزیری است که نوعی «اکل مال بباطل» محسوب می‌شود و یا توجه به عموم آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (آیه ۱۸۸ سوره بقره) با عنوان کلی تعزیرات قابل مجازات است. در متون فقهی از کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» و از کلاهبرداری تحت عنوان «مُحتال» نام برده شده است و برای وی مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ص ۴۳)

شیخ طوسی در کتاب «نهایه» در این مورد می‌نویسد: «آن کس که در مال مردم با مکر و خدعه و نوشته‌های مزورانه و گواهی‌های دروغ و نامه‌های کذب و نظایر آن‌ها حیله و فریب روا دارد، بر وی تادیب و تنبیه واجب آید و باید آنچه را که گرفته است به طور کامل بازپس دهد و سزوار است که عقوبت وی را آشکار سازد تا دیگران عبرت گرفته و در آینده گرد این گونه اعمال نگردند.» (۱۳۴۳، ج ۲، ص ۷۴۳)

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری در حال حاضر عنصر قانونی جرم کلاهبرداری را در حقوق ایران تشکیل می‌دهد و اشعار می‌دارد: «هرکس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانهها یا کارخانهها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات و اهتفیب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایلمذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آن‌ها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود...».

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قانونگذار تعریفی از جرم کلاهبرداری به دست نداده است و صرفاً به ذکر مصادیق آن پرداخته‌است. لذا با توجه به مصادیق کلاهبرداری در ماده ۱ می‌توان تعریف ذیل را ارائه داد: «کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوء نیت به وسایل یا عملیات متقلبانه».

(میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)

در مورد تعریف جرم کلاهبرداری رایان‌های هم مانند کلاهبرداری سنتی، نه در قانون تجارت الکترونیکی و نه در قانون جرایم رایان‌های تعریفی از جرم مذکور ارائه نشده است و تنها به مصادیق و شیوه‌های ارتکاب جرم اشاره شده است. اما با توجه به مفاد ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیک و ماده ۱۳ قانون جرایم رایان‌های می‌توان دو تعریف در این خصوص ارائه داد که یکی مربوط به کلاهبرداری رایان‌های در بستر مبادلات الکترونیکی می‌باشد که ماده ۶۷ ق. ت. ا بر آن اشاره دارد و آن عبارت است از « بردن مال یا تحصیل امتیازات مالی متعلق به غیر با عملیات متقلبانه از طریق سوء استفاده یا استفاده غیر مجاز از «داده پیام»، برنامه‌ها و سیستم‌های رایان‌های و وسایل ارتباط از راه دور». تعریف دیگر با توجه به فحوای ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی که به طور مطلق کلاهبرداری مرتبط با رایانه را جرم انگاری نموده است، عبارت است از: « تحصیل غیر مجاز مال، منفعت، خدمات و امتیازات مالی متعلق به غیر از سامانه‌های رایان‌های و مخابراتی». (میرمحمد صادقی و شایگان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳)

۳. بررسی ارکان جرم کلاهبرداری

کلاهبرداری از جمله جرائم مرکبی است که نه تنها وقوع آن فزونی یافته، بلکه احراز عناصر تشکیل دهنده‌ی آن نیز دشوار است. به منظور شناسایی نظریه‌های قابل اعمال نسبت به جرم کلاهبرداری شناسایی این جرم مهم و لازمه‌ی بحث است. لذا در این قسمت به بررسی ارکان جرم کلاهبرداری سنتی و رایان‌های خواهیم پرداخت.

۳-۱. رکن قانونی

در حقوق کیفری ایران، ماده ۱ قانون تشدید... و تبصره‌های ذیل آن عنصر قانونی جرم کلاهبرداری سنتی را تشکیل می‌دهد که مقرر می‌دارد: « هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانهها یا کارخانهها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهیفریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از

حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایلمذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا همتراز آنها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایینتر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

در نظام حقوقی ایران با ظهور جرایم رایان‌های، با توجه به اینکه جرایم مذکور در در محیط‌های رایان‌های که متفاوت از محیط فیزیکی است واقع می‌شوند فرایند ارتکاب این گونه جرایم آن چنان متحول گردید که امکان مجازات مجرمان جرایم مذکور براساس قوانین سنتی با چالش‌های جدی روبرو شد، به طوری که وضع قوانین جدید ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. قانونگذار ایران به ناچار در این راستا قوانینی را وضع نمود. لذا ماده ۶۷ ق.ت.ا عنصر قانونی جرم کلاهبرداری در بستر مبادلات الکترونیکی «هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوءاستفاده و یا استفاده غیر مجاز از «داده پیام»ها، برنامه‌ها و سیستم‌های رایان‌های و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف «داده پیام»، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم‌رایان‌های و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال مأخوذه محکوم می‌شود» و ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی «هرکس به طور غیر مجاز از سامانه‌های رایان‌های یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال یا

هر دو مجازات محکوم خواهد شد» عنصر قانونی جرایم رایان‌های است.

۲-۳. رکن مادی

در کلاهبرداری سنتی مثل اغلب جرایم، رفتار مجرمانه مرتکب باید به شکل فعل مثبت باشد. ترک فعل، حتی اگر توأم با سوء نیت بوده و موجب اغفال طرف مقابل و ورود ضرر به وی نیز بشود، هیچ گاه نمی‌تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری را تشکیل دهد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ص ۵۷) جرم کلاهبرداری رایان‌های به طور مطلق نیز صرفاً از طریق فعل مثبت محقق می‌شوند و ترک فعل نمی‌تواند تشکیل دهنده رکن مادی جرم باشد. این برداشت با توجه به مصادیقی که به عنوان رفتار ارتكابی جرم مذکور به صورت تمثیلی ذکر شده است از قبیل وارد کردن، تغییر، محو و... استنباط می‌شود (میرمحمدصادقی و شایگان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶)

از جمله شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم کلاهبرداری:

۱- متقلبانه بودن وسیله ارتکاب جرم و مصادیق آن و مقدم بودن آن بر بردن مال؛ اصولاً وسیله در تحقق جرم تأثیری ندارد، ولی جرمی مثل کلاهبرداری باید فعل مرتکب همراه به کار بردن وسیله متقلبانه باشد. (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). لزوم این شرط از عبارت صدر ماده ۱ قانون تشدید... که مقرر می‌دارد: «هرکس از راه حیله و تقلب...» استنباط می‌شود. در مورد کلاهبرداری رایان‌های بایستی متذکر شد این جرم به وسیله رایان‌های ارتکاب می‌یابد و بستر ارتکاب آن محیط رایانه است. بنابراین وسیله جرم یعنی رایانه، جزو اجزاء تشکیل دهنده عنصر مادی این جرم محسوب می‌شود (خرم‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳)

۲- اغفال قربانی جرم؛ اغفال و فریب قربانی جرم، وجه مشخصه کلاهبرداری از سایر جرایم علیه اموال است. در کلاهبرداری سنتی، مرتکب با توسل به وسایل تقلبی، مالباخته را اغفال می‌کند تا با رضایت، مال خود را به او تسلیم کند از این رو ناآگاهی قربانی از متقلبانه بودن وسیله، شرط تحقق جرم است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: صص ۷۵-۷۸). در مورد جرم کلاهبرداری رایان‌های در حقوق کیفری ایران در صورتی که در بستر مبادلات الکترونیکی واقع شود براساس ماده ۶۷ ق.ت.ا امکان فریب ماشین‌ها و سیستم‌های پردازش خودکار نیز وجود دارد. اعمالی که به

عنوان رفتار مجرمانه جرم کلاهبرداری رایان‌های در ماده ۶۷ از آن‌ها نام برده شده است، در صورتی منجر به کلاهبرداری می‌شود که یا موجب فریب دیگری و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود. بنابراین فریب دیگری و یا گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار، جزء رفتار مجرمانه در جرم کلاهبرداری رایان‌های موضوع ماده ۶۷ است. این در حالی است که شرط فریب دیگری و یا گمراه کردن سیستم جزء شرایط تحقق جرم کلاهبرداری رایان‌های موضوع ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی نیامده است. (میرمحمد صادقی و شایگان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹)

۳- تعلق مال به غیر؛ با توجه به مصادیق مذکور ۱ قانون تشدید... که مقرر می‌دارد: «... وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفصاحساب و امثال آن‌ها تحصیل کرده...» موضوع جرم کلاهبرداری مال است اعم از اینکه مال منقول یا غیر منقول باشد و با توجه به عبارت «امثال آن‌ها» مصادیق مذکور تمثیلی هستند. لذا هر چیزی که مالیت داشته باشد می‌تواند موضوع این جرم قرار گیرد.

موضوع جرم کلاهبرداری رایان‌های با توجه به ماده ۶۷ ق. ت. ا و همچنین ماده ۷۴۱ ق. م. ا «وجوه، اموال، خدمات و امتیازات مالی» است. اموال موضوع کلاهبرداری رایان‌های بر خلاف اموال موضوع کلاهبرداری سنتی، ارتباط ناگسستگی با داده‌های رایان‌های دارند این اموال ممکن است به صورت اموال ملموس یا به صورت داده‌های رایانه‌ای (اموال غیر ملموس) باشند. مثلاً ممکن است شخص با ورود به سیستم الکترونیکی یک بانک، وجوهی را که به صورت داده‌های رایان‌های در حساب بانکی شخص دیگری ذخیره شده به حساب خود یا شخص دیگری واریز کند. در این حالت داده‌های رایان‌های که نمادی از اموال هستند، به جای اموال، جابه‌جا و از حساب شخص دیگر منتقل و تصاحب شده‌اند. همچنین ممکن است اموال ملموس مانند پول نقد با دستکاری متقلبانه داده‌ها، یا مداخله متقلبانه در عملکرد سیستم رایان‌های تحصیل و تصاحب شود (خرم‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۵۳) مال موضوع جرم کلاهبرداری باید متعلق به غیر باشد. زیرا مرتکب با بردن مال متعلق به خود در هیچ صورتی نمی‌تواند کلاهبردار محسوب شود.

۴- حصول نتیجه مجرمانه؛ جرم کلاهبرداری از زمره جرایم مقید به نتیجه است، یعنی صرف توسل به وسایل متقلبانه و حتی اغفال قربانی جرم بدون اینکه منجر

به بردن مال شود برای تحقق جرم کافی نیست. در ماده ۱ قانون تشدید... عبارت: «هرکس از راه حيله و تقلب... وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب...». مویید مطلب فوق است لذا تحقق جرم کلاهبرداری بدون حصول نتیجه یعنی «بردن مال دیگری» امکان پذیر نیست.

کلاهبرداری رایان‌های نیز جرمی مقید به نتیجه است. درج عبارت «... و اموال دیگران را ببرد...» در ماده ۶۷ ق. ت. مویید این مطلب است. بنابراین صرف توسل به وسایل متقلبانه بدوت اینکه متهم مالی را تحصیل کند برای انتساب اتهام جرم کلاهبرداری رایان‌های به متهم کافی نیست.

۳-۳. رکن روانی (معنوی)

در ماده ۱ قانون تشدید... قید عبارت: «هرکس از راه حيله و تقلب...» در صدر ماده، مویید آن است که جرم کلاهبرداری از زمره جرایم عمدی است. لذا رکن روانی جرم کلاهبرداری سنتی از دو جزء سوء نیت عام و خاص تشکیل می‌شود. منظور از سوء نیت عام اراده خودآگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه، و در اینجا عبارت از قصد استفاده وسیله متقلبانه (در واقع عمد در فعل) است. به عبارت دیگر کلاهبردار باید با علم به تقلبی بودن وسیله مورد استفاده از آن عمد داشته باشد. جزء دوم رکن روانی جرم کلاهبرداری سنتی «سوء نیت خاص» یعنی قصد بردن مال دیگری است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ص ۹۷). بنابراین تحقق جرم مذکور علاوه بر سوء نیت عام (قصد توسل به وسایل متقلبانه) باید سوء نیت خاص (قصد بردن مال غیر) هم وجود داشته باشد.

جرم کلاهبرداری در بستر مبادلات الکترونیکی موضوع ماده ۶۷ ق. ت. او همچنین کلاهبرداری موضوع ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز از زمره جرایم عمدی می‌باشند که در آنها نیز همانند کلاهبرداری از نوع سنتی علاوه بر احراز سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص هم برای تحقق جرم ضرورت دارد. بنابراین برای تحقق جرم کلاهبرداری مرتکب باید اعمال مصرحه در مواد قانونی فوق، اعم از ورود، محو... را به طور عمدی انجام دهد یعنی در انجام عمل اراده داشته باشد؛

دیگر اینکه نسبت به غیر مجاز بودن عمل ارتكابی مطابق ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی و نسبت به استفاده سوء و یا استفاده غیر مجاز از «داده پیام» و... مطابق ماده ۶۷ ق.ت.ا علم و آگاهی داشته باشد* (میرمحمدصادقی و شایگان، ۱۳۸-۱۶۳)

۴. تحلیل جرم شناختی علل ارتكاب جرم کلاهبرداری با رویکردی به نظریه های جرم شناسی

۴-۱. نظریه فشار

یکی از رویکردهای نظری برای تحلیل جرم شناختی جرم کلاهبرداری، نظریه فشار است. رابرت مرتون، جامعه شناس آمریکایی، با الهام از نظریه ای انومی بی هنجاری و احساس بی هنجاری (دورکیم، نظریه ای فشار را مطرح نمود. مرتون معتقد است انسان ها ذاتا منحرف نیستند، بلکه در اثر فشارهای مختلف جامعه به سوی جرم کشیده می شوند. دو رکن بنیادی این نظریه عبارتند از اهداف و وسایل. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۶۷) در هر جامعه، اهداف مشروعی به عنوان نماد موفقیت مطرح و عرضه می شود و هم زمان فرض بر این است که وسایل قانونی دست یابی به این اهداف نیز در دسترس همه قرار می گیرد.

حال، اگر ساختار جامعه به گونه ای باشد که بین اهداف مشروع و وسایل قانونی شکاف و فاصله وجود داشته باشد، در این صورت بی هنجاری ایجاد می شود، مرتون معتقد است زمانی که توازن بین اهداف ترویجی و وسایل مورد نیاز برای دستیابی به آن اهداف وجود ندارد، دو خلا هنجاری به وجود می آید:

اول: بی هنجاری افراد محروم یا تهیدست به این جهت که این افراد به ابزار مشروع و قانونی دسترسی ندارند و بنابراین بین هدفها و وسایل دستیابی به آن معلق می مانند.

دوم: خلا هنجاری افراد توانمند و متمول که همواره هدفهای بالاتری را نشانه می گیرند. چون امکانات و وسایل قانونی موجود راه دستیابی به آن هدفهای بالا را ممکن و میسر نمی کند، لذا دچار خلا هنجاری و سرگردانی می شوند. یعنی این بی هنجاری ناشی از زیاده طلبی ثروتمندان است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۱)

بنابراین این دو نوع بی هنجاری واکنش های فردی متفاوتی را ایجاد می کند.

مرتون این واکنش‌های فردی نسبت به این شکاف را در پنج دسته تقسیم کرده است: ۱- واکنش مبتنی بر اطاعت و فرمانبرداری ۲- واکنش مبتنی بر خلاقیت و نوآوری ۳- واکنش مبتنی بر رعایت تشریفات و آداب و رسوم عرفی ۴- واکنش انفعالی ۵- واکنش مبتنی بر عصیان و سرکشی و شورش.

آنچه مورد نظر ماست واکنش از نوع دوم است؛ این افراد اهداف فرهنگی را پذیرفته‌اند اما وسایل و امکانات غیرقانونی و نامشروع برای دستیابی به آن اهداف را عنداللزوم به کار می‌برند؛ یعنی ابایی از توسل به وسایل غیرقانونی ندارند. این واکنش را در مورد بزهدکاری (کلاهبرداری) یقه سفیدی (مشاهده می‌شود، زیرا این قبیل افراد چنانچه وسایل قانونی جهت رسیدن به اهداف خود را نداشته باشند، ابایی از نوآوری و ابتکار مجرمانه یعنی توسل به وسایل غیرقانونی ندارند. به نظر می‌رسد در جامعه کنونی ما پول و امکانات اقتصادی تبدیل به هدف شده است و همه‌ی افراد برای دستیابی به این هدف تلاش و کوشش می‌کنند، وقتی افراد مشاهده می‌کنند امکانات پول دار شدن برای همه یکسان نیست، به این شکاف موجود و عدم تساوی، واکنش‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند که جرم کلاهبرداری نمونه‌ای از این واکنش افراد به عدم وجود امکانات قانونی برای دستیابی اهداف است. تاسیس شرکت‌های هرمی و گلدکوئیست در دهه‌ی ۸۰ در کشور، که منجر به کلاهبرداری‌های نسبت به افراد زیادی شد، نمونه‌ای از شگردهای خلاقانه در واکنش به خلاهای قانونی موجود بود.

همچنین ذکر پرونده‌ای قضایی دیگری در خصوص فشار، که منجر به خلاقیت و نوآوری می‌شود، در این قسمت شایسته است؛ در پرونده دستبرد ۳۶۰ میلیون تومانی به ۱۳۷ کارت اعتباری، فرمانده انتظامی خراسان رضوی اعلام کرد که روش به کار رفته، استفاده از دستگاه «اسکیمر» (به کپی غیرقانونی علائم نوار مغناطیسی بانکی روی کارت دیگر، اسکیمینگ می‌گویند) بوده است. در این پرونده، متهم ۲۹ ساله اقدام به خرید یک دستگاه اسکیمر به همراه کارت خام بانکی نموده و با بازگشایی مغازه کلی فروشی محصولات آرایشی بهداشتی و نصب اسکیمر روی دستگاه کارت خوان فروشگاه، تعداد زیادی کارت بانکی را کپی کرده بود. (میرمحمدصادقی و آذری متین، ۱۳۹۵، ص ۵۱). بدین ترتیب

منابع فشار مادی و غیر مادی به فرد اجازه خواهد داد تا برای دست یابی به اهداف مادی به عنوان نوآور از وسایل مجرمانه استفاده کند که جنبه نیرنگ آمیز داشته و خلاقانه است.

شایان ذکر است که بزه کلاهبرداری از زمره جرائم یقه سفید و به اصطلاح بزهکاری پنهان است بدین معنی که مرتکبین جرائم کلاهبرداری معمولاً کشف نمی‌شوند و جزء رقم سیاه بزهکاری هستند. با وجود این رویکرد مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسبت به بزه کلاهبرداری، رویکرد تخفیف‌گونه‌ای پیش رو گرفته که منطقی به نظر نمی‌رسد.

بدین شرح که ماده ۱۱ قانون مذکور اشعار می‌دارد چنانچه میزان مال کلاهبرداری شده بیش تر از یک میلیارد ریال نباشد از مصادیق جرایم قابل گذشت می‌باشد و به استناد تبصره ماده مرقوم حداقل و حداکثر مجازات حبس جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل یافته است.

۲-۴. نظریه مثلث کرسی

یکی از مهم ترین چارچوب‌های مفهومی که به درک و تحلیل پدیده کلاهبرداری کمک می‌کند «مثلث کلاهبرداری» نام دارد. این نظریه توسط دونالد کرسی در سال ۱۹۷۱ در باب کلاهبرداری یقه سفیدها مطرح شد. کرسی می‌گوید: که جرایم یقه سفیدها در نتیجه عاملی است که از آن به عنوان، مشکل غیر قابل تسهیم یاد می‌کند. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که فردی با یک شکل یا بحران مشخص روبرو می‌شود و قادر نیست آن را با همکاران یا دوستان خود در میان بگذارد و دلیل ارتکاب جرم به خاطر شرمندگی ناشی از رفتار بد یا عواقب قانونی و محرومیت‌های اجتماعی است زمانی که این رفتار کشف می‌شود. نابسامانی مالی، از دست دادن موقعیت، پذیرش خطا یا قضاوت ضعیف زمینه شکل گرفتن مشکل غیر قابل تسهیم رافراهم می‌کند و فرد را به سمت حل مخفیانه مشکل خود از راه دزدی به منظور حفظ آبروی خود را سوق می‌دهد. فرضیه کرسی بعدها به مثلث کلاهبرداری معروف شد که سه عامل فشار، فرصت و توجیه در این نظریه دخیل هستند. (حیدرزادی و جمالوندی،

فشار، عامل اول در ارتکاب جرم کلاهبرداری است. فرد مشکل مالی دارد و نمی‌تواند از راه‌های قانونی آن را حل کند، پس اقدام به ارتکاب اعمال غیر قانونی می‌کند. البته این فشارها می‌تواند ناشی از فشارهای مالی، پلیدی، فشارهای مرتبط با محیط کار و... باشد. عامل دوم در ارتکاب جرم داشتن فرصت است. فرد باید به دنبال فرصتی باشد تا از طریق سوء استفاده از جایگاه خود با ریسک بسیار پایین مشکل خود را حل کند. همچنین نکته مهم دیگر آن است که فرد مجرم باید این اعمال را مخفیانه انجام دهد تا جایگاهش حفظ شود. عامل سوم توجیه عقلانی است. بیشتر مجرمان متخلفانی هستند که هیچ‌گونه سوء سابقه نداشته‌اند و خود را نیز مجرم نمی‌دانند. خود را تنها افراد صادقی می‌دانند که در شرایط بدی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، جرم را به شیوه‌های زیر برای خود توجیه می‌کنند: این پول حق من است، درآمد کافی ندارم و... (همان: صص ۶۹ و ۷۱)

۳-۴. شرایط اقتصادی

جرم پدیده‌های چند وجهی است که همواره مورد نظر جامعه‌شناسان، روانشناسان، حقوقدانان و اقتصاددانان بوده است. پیدایش رشته جرم‌شناسی سبب شد که با روشی علمی و عینی به تحلیل عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، با هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزهکاران، پرداخته شود. در این میان وضعیت اقتصادی یک جامعه به عنوان مؤثرترین عامل اثرگذار بر وضعیت معیشت جامعه، نقش تعیین کننده‌ای بر اعمال افراد جامعه دارد. یکی از جرایمی که شرایط اقتصادی می‌تواند بر آن تاثیرگذار باشد، جرم کلاهبرداری است.

جوین نتلر، جامعه‌شناس، رابطه ساختاری میان اقتصاد و جرم را چنین بیان می‌کند: «رفتار افراد تا حدود زیادی با بررسی شرایط محیطی و اجتماعی قابل پیشبینی است و رفتارهای ناهنجار و غیرعادی در بحثهای جرم‌شناسی به عنوان عنصری اجتماعی تلقی می‌شوند، نه عنصری زیست‌شناسانه.» (صادقی و شقاقی شهری و اصغر پور، ۱۳۸۳، ص ۳) (به بیانی دیگر دلایل ارتکاب جرم توسط افراد را باید در

بطن اجتماع و براساس ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار داد و از آنجا که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارای رابطهای تنگاتنگ هستند، انتظار می‌رود که ساختار اقتصادی بر اعمال معرمانه تاثیرگذار باشد. ویلیام بونکر نیز در این باب چنین می‌گوید: «عوامل اقتصادی، عاملی اساسی در تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی نیز بر فعالیتهای فردی از جمله جرم دارد، به خصوص اگر این عامل اقتصادی سطح فقر، نابرابری درآمدی، بیکاری، تورم و هزینههای فرصت اقتصادی را شامل بشود». (همان، ص ۴)

اولین بار گاری بیکر، اقتصاددان، در مقاله معروفی تحت عنوان «اقتصاد جرم و مجازات، یک رهیافت اقتصادی» (۱۹۶۸) به مقوله اقتصاد جرم پرداخت. هدف اصلی او پاسخ به این سؤال بود که برای به حداقل رساندن زیانهای اجتماعی حاصل از جرم، باید چقدر منابع و مجازات به کار گرفت. مدل اصلی وی بر مبنای این فرض استوار است که چنانچه مطلوبیت انتظاری فرد از ارتکاب جرم، از مطلوبیتی که می‌تواند با استفاده از وقت و سایر منابع در دیگر فعالیتها به دست آورد بیشتر باشد، فرد مرتکب جرم می‌شود. (همان، ص ۱۰). بنابراین مهمترین عوامل تاثیرگذار اقتصادی بر جرم را می‌توان بیکاری، تورم، نابرابری توزیع درآمد و... را دانست؛ بیکاری مهمترین متغیر اقتصادی اثرگذار بر درآمد قانونی افراد جامعه است. در واقع بیکاری هزینه فرصت انجام اعمال خلاف قانون را کاهش می‌دهد و به همین جهت انتظار می‌رود که افزایش اشتغال (کاهش بیکاری) با کاهش شکاف بین درآمد قانونی قابل حصول و درآمد غیرقانونی در دسترس، منجر به کاهش میل ارتکاب به جرم در جامعه شود؛ تورم، نشاندهنده افزایش در شاخص قیمتها است و از نگاه کلیتر بیانگر کاهش درآمد حقیقی افراد جامعه نیز است. یعنی در صورت وجود تورم در ساختار اقتصادی، اگر درآمد اسمی افراد به همان میزان افزایش نیابد در واقع درآمد حقیقی افراد کاسته شده و از این رو انتظار می‌رود که با میل ارتکاب به جرایم رابطه مثبتی داشته باشد؛ نابرابری توزیع درآمد از درگاه مطلوبیت افراد جامعه بر جرایم تاثیرگذار است. بر اساس نظریه فشار رابرت مرتون، جامعه‌شناس، در صورتی که توزیع درآمد در جامعه نابرابر باشد، افرادی که از لحاظ اقتصادی در جایگاه پایینتری قرار دارند، نسبت به شرایط خود احساس نارضایتی و ناتوانی دارند و از این رو همواره تحت

نوعی فشار روانی قرار داشته و بنابراین امکان بروز رفتارهای خشن توسط ایشان به عنوان نوعی تخلیه روانی وجود دارد. (روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۳۰۵۶، ۱۳/۰۸/۱۳۹۲)

آماري از پرونده‌های قضایی که در تاریخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۳ در روزنامه اقتصاد منتشر شده قابل تامل است، که نشان از وخامت وضعیت اقتصادی کشور، فقر، بیکاری و توزیع ناعادلانه ثروت است، در این گزارش چنین آمده است: «سالانه پنج میلیون پرونده قضایی به دستگاه‌های قضایی وارد می‌شوند. به عبارتی روزانه تقریباً ۱۳ هزار و ۵۰۰ پرونده به قوه قضاییه می‌رود. به این ترتیب در هر دقیقه، ۲۲۶ پرونده به قوه قضاییه فرستاده می‌شود. محمدباقر ذوالقدر، معاون راهبردی قوه قضاییه، گفت: در سال ۸۹ حدود ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار پرونده در قوه قضاییه رسیدگی شد و این آمار در سال گذشته به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار پرونده رسید. البته به گفته او، پرونده‌های ورودی دستگاه قضایی سالانه حدود پنج میلیون است. همین طور به گفته حمید شهریاری، رییس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه حدود ۹۹/۳ درصد از آن‌ها در سال گذشته رسیدگی شده است. او می‌گوید: «از مجموعه این پرونده‌ها ۲ میلیون و ۱۲۷ هزار پرونده در دادگاه عمومی حقوقی، ۳ میلیون و ۴۸۹ هزار پرونده مربوط به دادرهای عمومی و بقیه نیز مربوط به دادگاه‌های کیفری، دادستانی و دادگاه انقلاب بوده است.»

. بنابراین وضعیت اقتصادی یک کشور به عنوان موثرترین عامل اثرگذار بر وضعیت معیشت جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای بر اعمال و رفتار افراد دارد. به بیانی دیگر دلایل ارتکاب جرم توسط افراد را باید در بطن جامعه و براساس ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار داد و از آنجا که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارای رابطهای تنگاتنگ هستند، که ساختار اقتصادی بر اعمال مجرمانه تاثیرگذار باشد. این رابطه بین عوامل اقتصادی و ارتکاب جرایم در ایران بسیار قابل مشاهده تر است. بنابراین در این وضعیت اقتصادی نابسامان ارتکاب جرایم مالی چون کلاهبرداری، سرقت و... افزایش خواهد پیدا کرد.

۴-۴. نظریه‌های یادگیری اجتماعی

نظریه‌های یادگیری اجتماعی نظیر معاشرت‌های ترجیحی ساترلند، نظریه فراگیری اجتماعی آلبرت بندورا و نظریه خنثی سازی ماتزا، جرم را محصول یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت جنایی می‌دانند. این یادگیری شامل فراگیری دانش مرتبط با فنون ارتکاب جرم و رهایی اخلاقی به وسیله کشف توجیحات منطقی مناسب برای رفتارها مجرمانه است. براساس این نظریات، چون برخی روش‌های کلاهدرداری فنی است، به صورت اکتسابی باید فرا گرفته شود. این فراگیریشامل رفتار جزایی و فنون ارتکاب است و از طریق ارتباط معمولی با گروه‌های صمیمی انتقال می‌یابد. چون آثار منفی رفتار به منظور بازدارندگی مجرم در محیط ارتکاب ضعیف است، در طول زندگی فرد حفظ خواهد شد. آنچه در نهایت باعث بدل شدن این تجربه آموزشی به جرم خواهد شد. ایجاد ارزش‌های پنهانی موازی است. انکار مسئولیت و آسیب به قربانی از جمله این موارد است که باعث خواهد شد مجرم وجدان اخلاقی خود را پاک کرده و احساس گناه نکند، (دلال و شارما، ۱۳۸۸: صص ۴۳۵ و ۴۴۰)

از روش‌های فنی جعل هویت، مهندسی اجتماعی مبتنی بر رایانه است. ابزار استفاده شده رایانه است، صفحات جعلی یا رمزگیری، از این دست مهندسی اجتماعی است که سبب افشای کلمه عبور یا گذرواژه کاربر می‌شود و پس از آن نفوذگر خواهد توانست به عنوان کاربر مجاز و از طریق درگاه‌های بانکی، اقدام به کلاهدرداری نماید. (میرمحمدصادقی و آذری متین، ۱۳۹۵، ص ۵۲) یکی دیگر از روش‌های فنی کلاهدرداری، استفاده از پیامک برای فریب قربانیان است؛ بدین ترتیب که مشترکان تلفن همراه از طریق دریافت پیامک اعطای جوایز چند میلیون تومانی، تشویق به وارد کردن اطلاعات حساب بانکی خود نظیر شماره کارت، رمز اینترنتی و... در درگاه‌های بانکی جعلی می‌شوند و از این طریق به برداشت از حساب آن‌ها می‌گردند.

۵. راهکارهای پیشگیری از ارتکاب جرم کلاهبرداری

پیشگیری در حقوق ایران وجاهت قانونی دارد؛ چراکه قانون اساسی و قانونگذار، در کنار حقوق جزا، مبانی قانونی را پیش بینی کرده‌اند. بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی منبع محوری حقوق جزا در کشور ماست؛ چون وظیفه قوه قضائیه را کشف جرم، تعقیب و... اعلام کرده است. اما بلافاصله پس از بند ۴، قانون اساسی اقدام برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را در بند ۵ همان اصل به عنوان وظیفه دیگر پیش بینی کرده‌اند. بنابراین در پژوهشی لازم است پس از بیان جرم و علل و عوامل ارتکاب آن، در خصوص پیشگیری از ارتکاب آن هم مباحثی مطرح شود.

۱-۵. پیشگیری وضعی

دانشمندانی چون «کلارک، می‌هیو و کرنیش» در آثار خود به طرح و تحلیل زمینه‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم پرداختند. این سه نفر از دیدگاه برخی، موسسین نظریه پیشگیری وضعی به عنوان یک طرح جامعه در جهت کاهش بزهکاری شناخته شده‌اند (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). موضوع مداخله در پیشگیری وضعی، خود عمل، موقعیت و وضعیت‌های زندگی روزمره است که ایجاد کننده این وضعیت هاست. شرط کارآمدی و موفقیت در پیشگیری وضعی به جای اقدام به تغییرات بنیادین در جامعه یا یک محله، هدف قراردادن معضلات بسیار خاص، افراد و فضاهای کاملاً محدود و مشخص است. لذا این رویکرد متضمن راهبرد و تدابیری است که هدف آن‌ها پیشگیری از ارتکاب اعمال خلاف هنجار و محدود کردن فرصت‌هایی که به نظر مرتکبان مساعد تلقی می‌شود و نیز افزایش خطر دستگیری و کاهش منافع مورد انتظار نسبت به دسته اخیر. (جندلی، ۱۳۹۳، ص ۸۵) راهبردهای مورد نظر این نوع پیشگیری، ناظر به فرصت‌های جنایی؛ یعنی عناصر مقدم یا پیرامون عمل به منظور جاذبه زادی، افزایش خطر و یا دشوارسازی آن است. برخی از نویسندگان در اینجا از عبارت «وضعیت‌های پیش جنایی» نام برده‌اند.

این موارد گاهی به خصوصیات دورنی-ذاتی فرد یا مال موضوع دستبرد باز می‌گردد؛ گاهی به شرایطی که تلاقی بین مرتکب بالقوه و فرد یا مال موضوع جرم (سیل)

را تسهیل می‌کند؛ گاهی در سطح کلان به بافت و شرایط فیزیکی و اجتماعی که ارتکاب‌عمل را شدنی می‌سازد مربوط می‌شود. (همان: ص ۸۶)

مبنای پیشگیری وضعی بر این فرض استوار است که یک انسان متعارف در همه زمینه‌ها، خواسته یا ناخواسته به طور منطقی و حساب شده عمل می‌کند و از خطرات شدید دوری می‌کند. یعنی در صورتی چنین شخصی تن به خطر می‌دهد که عایدات یا منافع حاصل از آن ارزشمند باشد. حال اگر این فرض را در مورد مجرمین صادق بدانیم. می‌توان گفت اگر به هر طریقی بتوان خطرپذیری جرم را افزایش یا جاذبه یا منفعت حاصل از آن را کاهش داد یا حتی از بین برد، قاعدتا مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند. شایان ذکر است این قاعده تا حدودی در نظریه حسابگری ژرمی بنتام ریشه دارد که معتقد بود چنانچه مجازات از یک سری مولفه‌ها نظیر شدت، حتمیت و قطعیت برخوردار باشد، مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم منصرف خواهند شد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴۰)

از آنجا که کلاهبرداری‌های رایانه در سال‌های اخیر بسیار فزونی پیدا کرده است، ابتدا به روش‌های پیشگیری وضعی از ارتکاب جرایم رایان‌های می‌پردازیم:

۱- شناسایی حملات و تهدیدها؛ تعیین خطرات متوجه سیستم، مهمترین اقدام در ایجاد یک برنامه حفاظت رایان‌های مناسب برای آن سیستم و مقابله با جرم کلاهبرداری رایان‌های است. در جلوگیری از وقوع جرم نخستین گام، ارزیابی آن دسته از دارایی‌های است که باید مورد حمایت قرار گیرند. گام بعدی این است که دارایی‌های ارزیابی شده در برابر کدام خطرات باید حمایت شوند و این خطرات از چه منابعی ناشی می‌شود. از جمله شیوه‌های کلاهبرداری رایانه؛ گاه مجرم از ابتدا داده‌های نادرست به رایانه وارد می‌کند (دست‌کاری اطلاعات ورودی) گاه در پردازش صحیح رایانه دست می‌برد (دست‌کاری برنامه ها...) یا اینکه متعاقبا نتایج صحیحی را که رایانه نشان می‌دهد تحریف می‌کند (دست‌کاری اطلاعات خروجی). (میر محمد صادقی و شایگان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷) بنابراین در جرم کلاهبرداری رایان‌های شناسایی و تشخیص جرایمی که از طریق رایانه ارتکاب می‌یابد بسیار مهم است، زیرا در صورتی می‌توان به پیشگیری از جرمی پرداخت که با راه‌ها و روش‌های ارتکاب آن

آشنا بود. ۲- روش های حفاظت از سیستم های رایان های؛ تدابیر متنوعی برای حفظ سیستم های رایان های از حملات وجود دارد:

۲-۱. حفاظت فیزیکی از خود وسیله رایان های، برای جلوگیری از استفاده دیگران از رایانه ای ها، اولین حلقه حفاظت فیزیکی این است که مجرمین را از نفوذ به ساختمان محل استقرار رایانه ها مایوس نماید. زیرا ارتکاب جرایم رایان های قابل پیش بینی نیستند؛ زیرا احتمال دارد افراد از طریق رایانه دیگران به ارتکاب جرایم دست بزنند. ۲-۲. حفاظت کارکنان؛ تدبیر حفاظت کارکنان، افرادی را پوشش می دهد که به نحوی مجاز به کار با سیستم می باشند. اغلب جرایم رایان های توسط افراد مذکور و نه حریم شکنان مجرم صورت می گیرد (گزارش طرح شناخت کلی جرایم رایان های و شیوه های مبارزه با آن، ۱۳۸۸، ص ۶۹). از جمله اقدامات لازم جهت ارتقاء سطح امنیت پرسنلی عبارتند از: تحقیقات لازم پیش از استخدام ۲۹ نظارت و کنترل کافی مدیران بر عملکرد کارکنان. ۳- دادن آموزش های لازم به کارکنان، زیرا گاهی وقوع جرم ناشی از ثبت اشتباه یا تغییر اطلاعات به وسیله کارمن است (استرکی، ۱۳۸۳، ص ۸۳-۳). حفاظت ارتباطات؛ که شامل حفاظت از پست، نامبر، تلف، ارتباطات پست صوتی و همچنین حفاظت از اطلاعات انتقال داده شده از یک رایانه به رایانه دیگر از طریق اتصال شبکه می شود. مجرم می حرفه ای ممکن است سیستم رایان های را برای ارتکاب کلاهبرداری یا مستقیماً برای منفعت خودشان، مورد هدف قرار دهند. در این صورت تدابیر حفاظت ارتباطات (به عنوان مثال کلمات رمز عبور) مهمترین عامل برای دور نگهداشتن مجرمین حرفه ای است. (میرمحمدصادقی و شایگان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰)

از جمله راهها و روش های پیشگیری وضعی برای جلوگیری از کلاهبرداری های سنتی می توان ارائه داد به شرح ذیل است:

۱- افراد معاملات و قرار دادهای خود را در مراکز رسمی و قانونی به ثبت برسانید تا تحت حمایت های قانونی قرار بگیرد. ۲- پیشنهاد های تجاری گوناگون ارائه شده از سوی شرکتها، موسسات و اشخاص را تا قبل از احراز هویت و اطمینان از قانونی بودن عملکردشان نپذیرید ۳- افراد هنگام معامله با افرادی که نشانی و شماره تلفن ثابتی ندارند، بیشتر دقت کنید و تا حد امکان از آن بپرهیزید. ۴- از خرید وسایل

نقلیه یا ملک بصورت قولنامه‌های اجتناب کنید و معامله را در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسانید، زیرا در این مراکز، درباره اصالت اسناد و مالکیت افراد از مراجع قانونی، مانند سازمان ثبت اسناد و املاک شهرداری و... استعلام می‌شود، بنابراین تا حدود زیادی از بروز مخاطراتی که در نتیجه تنظیم قولنامه‌های عادی و دستی ایجاد می‌شوند جلوگیری خواهد شد. ۵- به لحاظ درج آگهی مختلف از سوی افراد حقیقی یا حقوقی در جراید به آن‌ها اعتماد نکنید و قبل از واریز و پرداخت هرگونه وجه یا انعقاد قرارداد از صلاحیت صاحبان آگهی مطمئن شوید.

۲-۵. پیشگیری کیفری با توجه به نظریه مجازات و پاداش

در این نظریه، اقتصاد دانی به نام گاری بیکر با استفاده از روش ریاضی و روش‌های معمول در علم اقتصاد و تشبیه جرم به سایر فعالیت‌های اجتماعی، بر این اعتقاد است که بزهدکار، انسانی است عادی و حسابگر، که به دنبال یک سلسه معادلات، مصمم به ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرم می‌گردد، در این معادله فعالیت‌های مجرمانه به سایر فعالیت‌های مشروع اجتماعی همچون تجارت و... تشبیه می‌شود. تجارتي که سود آن همان نفعی است که از ارتکاب جرم به دست می‌آورد. و زیان آن همان ضرر اجتماعی است که در امکان کشف جرم دستگیری و مجازات آن نهفته می‌باشد. احتمالاتی که به حضور پلیس در محل وقوع جرم، مقاومت مجنی علیه و سایر تجهیزات ایمنی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و نیز درجه احتمال محکومیت کیفری بستگی دارد. مجرمان میزان سود از جرم را با احتمال ضرر ناشی از آن محاسبه و مقایسه می‌کند و چنانچه سود بیش از زیان باشد، دست به ارتکاب آن می‌زند. او حتی سیاست کیفری را نیز ارزیابی کرده، میزان احتمال اجرای محکومیت را حساب می‌کند.

اینکه تا چه حد این محکومیت ممکن است مشمول تعلیق واقع شود و یا گذشت مجنی علیه تا چه حد موجب تخفیف مجازات می‌گردد و نیز درجه احتمال عفو به چه میزانی است، همگی از مواردی هستند که در ارزیابی و تصمیم‌گیری نهایی او دخیلند. بزهدکاری دست به مقایسه موارد فوق با سود حاصل از جرم می‌زند و

چنانچه کفه ترازو به سود هریک پایین رفت به طرف آن تصمیم جلب می شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰)

به نظر می رسد جرم کلاهبرداری جزء بهترین مصادیق این نظریه جرم شناسی می باشد؛ زیرا جرم کلاهبرداری از جمله جرایمی است که محرک اصلی ارتکاب آن، سود و مباحث مالی است و مرتکبین به خاطر سود بیشتری که از این جرم نصیب آنان خواهد شد، روی به این جرم می آورند. باید خاطر نشان کرد که کلاهبرداران بر خلاف بسیاری از مجرمین دیگر از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بوده و چه بسا مناصب اجتماعی یا اقتصادی مهمی نیز در جامعه داشته باشند. آنان از یک سو، از اینهوش و ذکاوت، تحصیلات عالی، موقعیت اجتماعی یا اقتصادی و چرب زبانی به عنوان ابزار کار خود برای به دام انداختن قربانیان استفاده می کنند و از سوی دیگر در جهت سنجش میزان سود حاصل از ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم بهره می برند.

در گزارشی که سازمان اطلاعات جرایم ملی انگلیس منتشر کرد، نشان داد مهمترین محرک مجرمان، سود و منفعت مالی است. در اکتبر سال ۲۰۱۵ دولت انگلیس ارزیابی خود را در مورد خطر پولشویی در سطح ملی منتشر کرد. این مقاله نشان داد در روند پولشویی، این جرایم از مکانیسمهای متعددی استفاده می شود. مجرمانی که روند مالی جرایم خود را توضیح داده اند معمولاً برای مخفی کردن منبع اصلی پول و پولشویی از تجارتهای پرسود استفاده می کردند. این مجرمان برای انتقال پول به خارج از کشور از خدمات مالی و شبکههای جمعآوری پول استفاده می کردند؛ جرایمی همچون کلاهبرداریهای کلان و خرابکاریهای خارج از کشور و دیگر سرمایهگذارها و پولشویها از طریق متخصصانی در زمینه قانونی، حسابداری و بخشهای مالی به صورت عمدی یا غیرعمدی انجام می شود. درآمد ناشی از جرایم سازماندهی شده از طریق مواد مخدر، ۷/۳ میلیارد پوند، کلاهبرداریهای سازماندهی شده ۹/۸ میلیارد و قاچاق انسان ۲۴۰ میلیون پوند در سال تخمین زده می شود. (روزنامه جام جم، شماره خبر: ۰۳/۶۷۵۷۰۶۱۱۵۷۰۶۲۷۵۶۱۱۵۷۰۳)

حال برای پیشگیری و جلوگیری از ارتکاب جرم کلاهبرداری باید ریسک ارتکاب جرم را برای مباشر جرم بالاتر ببریم به صورتی که ضرری که از مجازات

متحمل می‌شود بیش از سود و منفعتی است که از جرم به دست می‌آورد. بنابراین اولاً، «زرادخانه کیفری» قانون جزا باید متنوع باشد و میزان مجازات نیز تشدید شود و ثانیاً باید عملکرد دستگاه قضایی دورنمایی وحشتناکی برای کسی که قصد ارتکاب جرم دارد ترسیم نماید و بدین ترتیب یک نوع بازدارندگی از جرم به وجود آورد. بنابراین هر قدر مجازات (اعم از حبس و جزای نقدی) بالاتر باشد، گرایش کلاهبرداران به سمت و سوی این جرم کمتر خواهد شد؛ زیرا همانطور اشاره کردیم کلاهبرداران افرادی باهوش و با ذکاوت هستند و این مقوله را بهتر نسبت به سایر مجرمین در نظر خواهند گرفت.

۶. نتیجه گیری

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که جرم کلاهبرداری به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی همانند دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی، دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی می‌تواند در پیدایش آن نقش داشته باشد و نظریه‌های جرم‌شناسی فشار، یادگیرهای اجتماعی، مثلث کلاهبرداری و تاثیر عوامل اقتصادی می‌توانند به خوبی جرم کلاهبرداری را از بعد علت‌شناسی بررسی کنند به همین دلیل، برای جلوگیری از این ناهنجاری اجتماعی نظریه پیشگیری وضعی و نظریه مجازات و پاداش بسیار موثر خواهد بود، مثلاً برای جلوگیری از ارتکاب جرم کلاهبرداری باید ریسک ارتکاب جرم را برای مباشر جرم بالاتر ببریم به صورتی که، ضرری که از مجازات متحمل می‌شود بیش از سود و منفعتی است که از جرم به دست می‌آورد.

البته ایجاد رفاه اقتصادی و بالابردن سطح معیشت زندگی مردم، نیز می‌تواند نقش بسزایی در جلوگیری از بروز جرایم داشته باشد، باید خاطر نشان کرد که پیشگیری از ارتکاب جرم کلاهبرداری تلاش همه جانبه‌ای را در تمامی ابعاد طلب می‌کند تا بتوان در این زمینه، به موفقیت‌هایی دست یافت. با این وجود شایان ذکر است که بزه کلاهبرداری از زمره جرائم یقه سفید و به اصطلاح بزهکاری پنهان است بدین معنی که مرتکبین جرائم کلاهبرداری معمولاً کشف نمی‌شوند و جزء رقم سیاه

بزهکاری هستند. با این حال رویکرد مقنن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسبت به بزه کلاهبرداری، رویکرد تخفیف گونه‌ای پیش رو گرفته که منطقی به نظر نمی‌رسد. بدین شرح که ماده ۱۱ قانون مذکور اشعار می‌دارد چنانچه میزان مال کلاهبرداری شده بیش تر از یک میلیارد ریال نباشد از مصادیق جرایم قابل گذشت می‌باشد و به استناد تبصره ماده مرقوم حداقل و حداکثر مجازات حبس جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل یافته است.

۷. منابع

۱. حبیب زاده، جعفر، (۱۳۸۸)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، تهران: انتشارات سمت.
۲. حیدری زاده و جمالوندی، کبری و بهروز، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل موثر در کلاهبرداری حسابداران بر پایه روانشناسی کرسی، مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره ۲، شماره ۲۱.
۳. خرم آبادی، عبدالصمد، (۱۳۸۶)، کلاهبرداری رایان‌های از دیدگاه بین‌المللی و وضعیت ایران، فصلنامه حقوقی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۴. جندلی، منون، (۱۳۹۵)، درآمدی بر پیشگیری از جرم، ترجمه و تحقیق، شهرام ابراهیمی، تهران: نشر میزان.
۵. سالاری، مهدی، (۱۳۸۶)، کلاهبرداری، تهران: نشر میزان.
۶. شیخ طوسی، (۱۳۴۳)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. دهخدا، علیاکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۸. دالان. ا. اس و راقاو شمارما، (۱۳۸۸)، نیم‌نگاهی به ذهن هکرها: آیا نظریه‌های جرم‌شناسی می‌توانند هک کردن را تبیین کنند؟، ترجمه احسان زررخ، روزنامه رسمی کشور (مجموعه مقالات حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات).
۹. گزارش نهایی طرح شناخت کلی جرایم رایان‌های و شیوه‌های مبارزه با

آن(۱۳۸۸)، کارفرما: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مجری: جهاد دانشگاهی علم و صنعت.

۱۰. صادقی، شهری و اصغرپور، حسین، حسین و شقایق، (۱۳۸۳)، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران.

۱۱. میرمحمدصادقی، حسین(۱۳۸۹) جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان.

۱۲. میرمحمدصادقی و شایگان، حسین و محمدرسول(۱۳۸۹) بررسی تطبیقی کلاهبرداری سنتی و رایان‌های و مجازات‌های آن‌ها در نظام حقوقی ایران، دیدگاه‌های حقوقی، فصل نامه دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، سال پانزدهم، شماره‌های ۵۱ و ۵۲.

۱۳. میرمحمدصادقی و آذری متین، حسین و افشین، (۱۳۹۵)، رویکرد جرم شناختی به جعل هویت برای ارتکاب کلاهبرداری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲

۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۷۴)، مباحثی در علوم جنایی) تقریرات درس جرم‌شناسی(، تنظیم، قناد، فاطمه، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۲)، تقریرات درس جرم‌شناسی) پیشگیری(، تنظیم، سیدزاده، مهدی، مجتمع آموزش عالی قم، کارشناسی ارشد.

۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی جنایی)تقریرات(، قابل دسترس در سایت: www.lawtest.ir.

۱۷. دیویدچی، آیکاو و دیگران، (۱۳۸۳)، راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرایم رایان‌های، ترجمه، اکبر استرکی و دیگران.

Nasim Kowsar

Scientific Quarterly



- Analyzing retribution as a repressive criminal policy of Islam, in reducing crime
- Analyzing the executive policy of Islam in the crime of theft
- The capacity of jurisprudence in the birth of soft power
- Non-cancellation of lease in case of death of one of the lessees
- Comparison of the embodiment of deeds in the thought of Molavi and Mulla Sadra
- Duties of a man towards his wife in the Qur'an and hadiths
- Communication with Imam Zaman (AS) in the age of occultation